

نگاهی به تحقیق
پژوهشگر هلندی

فرهنگ ملل

و
فرهنگ ایران

مهدی سلطان محمدی

مقدمه

تحقیق «گیرت هافستده» محقق مشهور هلندی در مورد مقایسه ابعاد فرهنگ ملی کشورهای مختلف، یکی از شناخته شده ترین و گسترده ترین تحقیقاتی است که در مطالعه فرهنگ ملل انجام شده است. در بررسیهای هافستده پنج بعد فرهنگ به نامهای «فاصله قدرت، جمع گرایی در مقابل فرد گرایی، زن گونگی در مقابل مرد گونگی، ابهام گریزی و نهایتاً رویکرد بلندمدت در مقابل رویکرد کوتاه مدت مورد مطالعه قرار گرفته است. در این مقاله پس از مروری اجمالی بر نظریات و دیدگاههای هافستده، شاخصهای اندازه گیری شده در مورد فرهنگ ایران در تحقیقات وی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج به دست آمده با پاره ای از برداشتهای دیگر صاحب نظران مقایسه می شود.

فرهنگ چیست؟

هر کسی انگاره هایی (PATTERNS) برای تفکر، احساس و عمل دارد که آن را در خلال تجربیات و آموزشهای زندگی خود کسب کرده است. هافستده با تشبیه فرهنگ به نحوه برنامه ریزی کامپیوترها، این انگاره های تفکر،

احساس و عمل را «برنامه های ذهنی» و یا «نرم افزار ذهن» (SOFTWARE OF THE MIND) می نامد. البته منظور وی این نیست که افراد هم مثل کامپیوترها برنامه ریزی می شوند، بلکه به اعتقاد او صرفاً بخشی از رفتار فرد به وسیله برنامه ذهنی وی معین می شود. هرکسی می تواند از این برنامه های ذهنی عدول کرده و به نحوی جدید، خلاق و یا غیره منتظره رفتار کند. برنامه های ذهنی در محیطهای اجتماعی متفاوت با هم فرق دارند. این نرم افزار ذهن را معمولاً به نام «فرهنگ» می شناسیم.

برنامه ریزی ذهنی فرد از محیط پرورش اولیه کودک (معمولاً خانواده) آغاز شده و سپس در مدرسه و محیط کار ادامه می یابد. رفتار مدیران و کارکنان، روابط بین شهروندان و حکومتگران، ادامه روابط افراد در محیطهای خانواده، مدرسه و محیط کار است و این روابط به نوبه خود بر سایر حوزه های زندگی اثر می گذارند. باورهای مذهبی، ایدئولوژی های مختلف و تئوری های علمی ادامه برنامه ریزی ذهنی افراد در محیطهای خانواده، کار و متاثر از روابط با حکومت هستند و به نوبه خود انگاره های رایج تفکر، احساس و عمل در سایر حوزه ها را تحکیم می بخشند.

در جوامع، افراد در آن واحد به گروهها و دسته جات مختلفی تعلق دارند. لاجرم افراد، واجد لایه های متفاوتی از برنامه ریزی ذهنی هستند که به سطوح فرهنگی مختلفی همانند سطح ملی، قومی، منطقه ای، مذهبی، زبانی، جنسیتی، طبقاتی، سازمانی و غیره مربوط می شوند. هافستده به بررسی و مقایسه فرهنگها در سطح ملی می پردازد.

ابعاد فرهنگ ملل از نظر هافستده

تحقیق هافستده مبتنی بر بررسی گسترده ای است که در سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۲ در مورد فرهنگ ملتها از طریق بررسی پاسخهای کارکنان شعب مختلف شرکت IBM به پرسشنامه ای صورت گرفت که در مورد شرایط کاری آنها تنظیم شده بود. پایگاه اطلاعاتی بسیار گسترده ای فراهم شد که مرکب از پاسخهای کارکنان ۳۸ شغل مختلف در ۷۲ شعبه با ۲۰ زبان مختلف بود. رویهمرفته در این تحقیق بیش از ۱۱۶۰۰۰ پرسشنامه که هر کدام حاوی بیش از ۱۰۰ سوال استاندارد بود

مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج بررسی آماری گسترده ای بر روی این پرسشنامه و تطبیق آن با سایر مطالعات انجام شده، چهار بعد فرهنگ به نامهای «فاصله قدرت» «جمع گرایی در مقابل فردگرایی»، «زن گونگی در مقابل مرد گونگی» و «ابهام گریزی» شناسایی شد که سالها بعد، بعد پنجمی به نام «رویکرد بلندمدت در مقابل رویکرد کوتاه مدت» به آن اضافه شد. ذیلاً به توضیح هر یک از این ابعاد می پردازیم.

۱ - فاصله قدرت: در همه جوامع نابرابری وجود دارد. نابرابری در حوزه های مختلفی مانند قدرت، ثروت، ویژگیهای فیزیکی و ذهنی، موقعیت و جایگاه اجتماعی، قوانین، حقوق و قواعد بروز پیدا می کند ولی در جوامع مختلف میزان پذیرش قدرت بالادستی ها توسط افراد زبردست متفاوت است. «فاصله قدرت» عبارت است از میزان پذیرش و انتظار اعضای کم قدرت نهادها و سازمانهای یک کشور در مقابل توزیع نابرابر قدرت. بنابراین، فاصله قدرت از زاویه سیستم ارزشی افراد کم قدرت تر توصیف می شود.

در جدول شماره ۱ تفاوتهای اصلی بین جوامع با فاصله قدرت کم و زیاد ارائه شده است. براساس امتیازات به دست آمده از تحقیق هافستده، در کشورهای آمریکای لاتین، کشورهای عربی، مالزی، فیلیپین فاصله قدرت بالا و در کشورهای اسکانندیناوی، اتریش، سوئیس، انگلیس و آلمان فاصله قدرت پایین است.

۲ - فردگرایی در مقابل جمع گرایی: اکثر مردم جهان در جوامعی زندگی می کنند که در آن تعلقات گروهی بر تعلقات شخصی غالب است. هافستده این نوع جوامع را «جمع گرا» می نامد معمولاً اولین گروه در زندگی ما ساختار خانواده در جوامع مختلف متفاوت است. در جمع گراترین جوامع، خانواده ای که فرد در آن رشد می یابد نه فقط مرکب از والدین و سایر فرزندان بلکه شامل پدربزرگها، عموها، عمه ها، خدمتکاران و سایر هم خانسه ها می شود. در فرهنگ قوم شناسی این نوع خانواده را به عنوان «خانواده گسترده» می شناسند. کودکان در حین رشد در چنین خانواده هایی یاد می گیرند که خود را عضوی

از گروه «ما» بدانند.

اقلیتی از مردم جهان در جوامعی زندگی می کنند که تعلقات شخصی بر تعلقات گروهی غلبه دارد. در جوامعی که هافستده آن را فردگرا می نامد. اغلب فرزندان در خانواده ای مرکب از والدین و احتمالاً سایر فرزندان متولد

جمع گرا و فردگرا در جدول شماره ۲ خلاصه شده است.

فردگراترین جوامع آمریکا، استرالیا، انگلیس و کانادا هستند در حالی که جمع گراترین جوامع در امریکای لاتین و جنوب آسیا واقع شده اند.

۳- بسعد مردگونیگی یا زن گونیگی: نقشهای

در جوامع مدرن متفاوت است. دلیل آشکار این مسئله توزیع متفاوت مردان و زنان در مشاغل گوناگون در کشورهای مختلف است. فرض بر این است که مردان در مجموع جسورتر، اهل رقابت تر، سرسخت تر هستند و زنان نیز باید مراقب خانه، فرزندان و سایرین باشند. در

فاصله قدرت کم	فاصله قدرت زیاد
<ul style="list-style-type: none"> - نابرابری در میان افراد باید به حداقل برسد. - والدین یا کودکان به عنوان افرادی برابر رفتار می کنند. - سلسله مراتب سازمانی به معنای نابرابری نقشهاست که برای سهولت کار ایجاد شده است. - امتیازات و نمادهای موفقیت ناپسند هستند. - استفاده از قدرت باید مشروع باشد و در معرض قضاوت مثبت و یا منفی قرار دارد. - همه باید از حقوقی برابر برخوردار باشند. - افراد قدرتمند سعی می کنند خود را کم قدرت تر نشان دهند. - قدرت مبتنی بر موقعیت رسمی، تخصص و قدرت پادشاه دهی است. - راه تغییر سیستم سیاسی تغییر قوانین است (اصلاح). - به قدرت در امور سیاسی داخلی از خشونت استفاده می شود. - وجود حکومتی مبتنی بر نتایج آراء اکثریت. - تفاوت درآمد در جامعه کم است. - مذاهب و سیستم های فلسفی رایج، بر برابری تاکید دارند. 	<ul style="list-style-type: none"> - نابرابری میان افراد هم مورد انتظار است و هم مطلوب. - والدین به کودکان اطاعت را می آموزند. - سلسله مراتب سازمانی بیانگر نابرابری ذاتی بالادستی ها و پایین دینی هاست. - امتیازات و نمادهای موفقیتی برای مدیران مطلوب است. - حق با کسی است که قدرت را در اختیار دارد. هر که قدرتمند است بر حق است و درست. - کسی که قدرتمند است از امتیازاتی ویژه برخوردار است. - افراد قدرتمند سعی می کنند تاحد ممکن با ابهت جفوه کنند. - قدرت مبتنی بر خانواده یا دوستانه، فرهنگی و توانایی به کارگیری زور است. - راه تغییر سیستم سیاسی، تغییر افراد مصدر کار است (انقلاب). - منازعات سیاسی داخلی غالباً به خشونت منجر می شوند. - وجود حکومتی خودکامه یا اقلیت مبتنی بر بندوبست. - تفاوت درآمد در جامعه زیاد است. - ایدئولوژی های سیاسی رایج بر مبارزه قدرت تاکید دارند.

جدول شماره ۱ - تفاوت های اصلی بین جوامع با فاصله قدرت کم و زیاد

مسی شوند. کودکان چنین خانواده ای در حین رشد یاد می گیرند که خود را به عنوان «من» بشناسند. این «من» از «من» های سایر افراد متمایز است و سایر «من» ها نه به عنوان گروه بلکه به عنوان شخصیتی فردی طبقه بندی می شوند. در این جوامع انتظار بر این است که فرد به محض اینکه بتواند سرپای خود بایستد خانواده پدری را ترک کند. در چنین جوامعی پیوند بین افراد ضعیف است و انتظار از افراد این است که مراقب خود و خانواده درجه اولشان باشند. تفاوت های اصلی مابین جوامع

اجتماعی مردان و زنان در جوامع مختلف تفاوت دارد. اینکه چه نقشی با چه جنسیتی تناسب بیشتری دارد از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است.

هافستده اصطلاحات مردگونیگی و زن گونیگی را معادل مرد یا زن بودن در نظر نمی گیرد بلکه آنها را تعابیری نسبی می داند. مرد می تواند به صورتی زن گونه رفتار کند و زن به صورتی مرد گونه. اینکه چه رفتارهایی زنانه در نظر گرفته می شود و چه رفتارهایی مردانه نه تنها در جوامع سنتی بلکه

بررسی پرسشنامه های کارکنان شرکت IBM پاسخهایی که متوجه «درآمد بیشتر»، «شناخته شدن توسط دیگران»، «پیشرفت» و «هماورد طلبی» مربوط می شد به عنوان مشخصه های بعد مردانگی تلقی می شود. در مقابل قطب زنانگی به پاسخهایی مربوط می شود که متوجه «رابطه خوب با مدیر»، «بهبود شرایط زندگی» و «امنیت کارکنان» هستند. در جدول ۳ فهرست خلاصه تفاوت های اصلی بین جوامع زن گونه و مرد گونه آورده شده اند. بر اساس بررسی هافستده مرد گونه ترین

فردگرا	جمع گرا
<ul style="list-style-type: none"> - فرد به شیوه ای پرورش پیدا می کند که مراتب خود و یا خانواده (هسته ای) درجه اول خود باشند. - هویت مبتنی بر فرد است. - کودکان می آموزند که بر حسب «من» پنداشند. - تصمیمات استخدام و ارتقا مبتنی بر مقررات و مهارتهاست. - کار بر رابطه مقدم است. - تعلقات فردی بر تعلقات جمعی ترجیح داده می شود. - زندگی خصوصی هرکس محترم است. - اقتصاد مبتنی بر منافع فردی است. - ایدئولوژی های آزادی شخصی بر ایدئولوژی های عدالت خواهانه چپریکی دارد. - هدف نهایی جامعه خود شکوفایی هر فرد است. 	<ul style="list-style-type: none"> - افراد در خانواده های گسترده و یا سایر گروههایی متولد می شوند که از وی به ازای وفاداری، حمایت می کنند. - هویت مبتنی بر شبکه ای اجتماعی است که فرد به آن تعلق دارد. - کودکان می آموزند که بر حسب «ما» پنداشند. - تصمیمات استخدام و ارتقا به کارمندان داخل گروه نظر دارد. - رابطه بر کار مقدم است. - تعلقات جمعی بر تعلقات فردی ترجیح داده می شود. - زندگی خصوصی توسط گروه (ها) مورد تعرض قرار می گیرد. - اقتصاد مبتنی بر منافع جمعی است. - ایدئولوژی های عدالت خواهانه بر ایدئولوژی های آزادی شخصی چپریکی دارد. - هدف نهایی جامعه هماهنگی و اتفاق نظر است.

جدول شماره ۲ - تفاوت های اصلی مابین جوامع جمع گرا و فردگرا

مدت در زندگی اشاره داشت. این مسئله با ارزشهایی سروکار دارد که تفکر غربی به خوبی با آنها آشناست ولی در فهرست موارد مورد بررسی پرسشنامه ی طراحی شده در غرب قرار نگرفته بودند. تفاوت‌های اصلی بین جوامع با جهت گیری درازمدت و کوتاه مدت در جدول شماره ۴ آورده شده است. (Ibid, p. 173).

بر اساس بررسی هافستده کشورهای چین، هنگ کنگ، تایوان، ژاپن و کره معرف فرهنگ های با جهت گیری درازمدت و کشورهای پاکستان، نیجریه، فیلیپین، کانادا، زیمبابوه، انگلیس و امریکا معرف فرهنگ های با جهت گیری کوتاه مدت هستند... کشور ایران جزو ۲۳ کشور مورد مطالعه در این تحقیق قرار نداشته است. ولی با وجود این، می توان حدس زد که با توجه به ویژگیهای برشمرده شده، فرهنگ ایرانی را باید بیشتر در گروه فرهنگهای با جهت گیری کوتاه مدت دانست تا درازمدت. ولی این مسئله ای است که محتاج بررسی بیشتری است.

بر اساس نظر هافستده بر اساس چهار بعد فرهنگی شناسایی در تحقیقات IBM هیچ کشوری را نمی توان در موقعیت مزیت رقابتی و یا عدم مزیت رقابتی دانست. مثلاً فرهنگ های با فاصله قدرت کم مسئولیت پذیری بیشتری دیده می شود. جمع گرایی با تعهد بیشتر کارکنان همراه است و فردگرایی با آزادی عمل مدیریت. هم چنین فرهنگ های ابهام پذیر مستعد نوآوری های پایه ای هستند در حالی که در فرهنگ های ابهام گریز دقت

ساختار در سازمانها، نهاد و روابطشان هستند.

در بررسی هافستده کشورهای یونان، پرتغال، آمریکای لاتین، ژاپن، فرانسه و اسپانیا ابهام گریزی زیاد نشان می دهند در حالی که کشورهای اسکانندیناوی، انگلیس، هند و آمریکا و کانادا ابهام گریزی کمی دارند.

۵- رویکرد درازمدت و کوتاه مدت: در تحقیقات IBM که نتایج آن در بخشهای قبلی ارائه شد، از پرسشنامه ای استفاده شد که توسط دیدگاههای غربی تهیه شده بود. در هنگام تحقیق نه تنها پاسخگویان غربی بلکه پاسخگویان شرقی نیز با پرسشهای غربی مواجه بودند. از کجا معلوم که این جوابها بتوانند به طور کامل منعکس کننده ارزشهای پاسخگویان شرقی باشد. هافستده و سایر محققان این پروژه به این ضعف تحقیق واقف بوده و نگران آن بودند.

محقق کانادایی به نام مایکل بوند (MICHEL BOND) که از سال ۱۹۷۱ در خاور دور زندگی می کرد راه حل خلاقانه ای برای مشکل سوگیری غربی پرسشنامه ها پیدا کرد. او پرسشنامه ای طراحی کرد که عمداً سوگیری چینی داشت. او می خواست با به کار بردن چنین پرسشنامه ای به همان روش پرسشنامه با سوگیری غربی، امکان مقایسه نتایج را پیدا کند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده بعد چهارمی را نشان داد که با هیچ یک از ابعاد پرسشهای غربی مرتبط نبود. مایکل بوند آن را پویایی کنفوسیوسی نامید که اشاره به تعالیم کنفوسیوس داشت. از نقطه نظر عملی، این بعد به رویکرد درازمدت در مقابل رویکرد کوتاه

جوامع ژاپن، اتریش، ونزوئلا، ایتالیا، سوئد، مکزیک هستند. در حالی که کشورهای اسکانندیناوی زن گونه ترین جوامعند. کشورهای انگلیس و امریکا نیز تا حد زیادی مردگونه هستند.

۴- ابهام گریزی: هریک از ما با این واقعیت روبه رو هستیم که از فردایمان بی خبریم. اطمینانی از وضعیت آینده نداریم ولی مجبوریم به نحوی با آن سرکنیم. نااطمینانی زیاد موجب اضطراب غیر قابل تحمل می شود. درست مثل سایر ارزشهایی که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، احساس عدم اطمینان اکتسابی و آموختنی است. این احساسات و راههای مقابله با آن در زمره میراث فرهنگی جوامع قرار دارد و از طریق نهادهای پایه ای همچون خانواده، مدرسه و دولت منتقل شده و تحکیم می یابد و در ارزشهای جمعی اعضای هر جامعه بروز پیدا می کند.

مفهوم ابهام گریزی با مفهوم ریسک گریزی تفاوت دارد. ریسک را معمولاً به صورت درصد احتمال وقوع رویداد خاصی تعریف می کنند. ابهام زمانی مطرح می شود که هر اتفاقی ممکن است بیفتد و هیچ تصویری از ماهیت آن نداریم. ابهام را با درصد احتمال نمی توان تعیین کرد. به محض اینکه ابهام را به صورت ریسک بیان کنیم، دیگر نمی توان آن را منبع اضطراب دانست. ممکن است منبع ترس باشد ولی می توان آن را به صورت مسئله ای عادی پذیرفت، مثل ریسک های رانندگی یا انجام عملیات ورزشی، فرهنگهای ابهام گریز از موقعیتهای ابهام آفرین احتراز می کنند. در چنین فرهنگهایی، مردم در پی

مردگونه	زن گونه
- ارزشهای حاکم بر جامعه عبارتند از موفقیت مالی و پیشرفت. - پول و متعلقات مادی اهمیت دارند. - از زنان انتظار می رود که لطیف و ملایم بوده و مراقب روابط باشند. - همدلی با اقویا. - موضوعات درسی برای پسران و دختران متفاوت است. - زندگی برای کار است. - حل منازعات از طریق شکست خوردن یکی از طرفین. - جامعه اصلاح گر است. - منازعات بین المللی باید از طریق قدرت نمایی و یا اعمال زور حل شود. - تعداد نسبتاً کمی از زنان برای سمتهای سیاسی انتخاب می شوند. - مذاهب حاکم بر برتری مردان تاکید می کنند.	- ارزشهای حاکم بر جامعه عبارتند از توجه و مراقبت از دیگران. - مردم و همچنین روابط صمیمانه اهمیت دارند. - هم مردان و هم زنان می توانند ملایم و لطیف بوده، مراقب روابط باشند. - همدلی با ضعفها. - موضوعات درسی برای پسران و دختران یکسان است. - کار برای زندگی است. - حل منازعات از طریق مذاکره و توافق. - جامعه سهل گیر است. - منازعات بین المللی باید از طریق مذاکره و توافق حل شود. - تعداد نسبتاً زیادی از زنان برای سمتهای سیاسی انتخاب می شوند. - مذاهب حاکم بر مکمل بودن جنسیت ها تاکید می کنند.

جدول شماره ۳: تفاوت‌های اصلی بین جوامع زن گونه و مردگونه

البته اندیشمندان دیگری نیز به بعد مقابله با قدرت در فرهنگ ایران توجه کرده اند و آن را جزو ویژگیهای بارز این فرهنگ برمی شمارند. به عنوان مثال گراهام فولر در کتاب «قبله عالم» از قول ریچارد فسرای نقل می کند که چون ایرانی ها درست بر عکس ترک ها احترامی برای قدرت قائل نیستند، بنابراین کار حکام در ترکیه بسی آسانتر از کار همتهای ایرانی شان است. (G. Fuller, the Center of the Universe, p. 24)

شاید یک راه برای توجیه این اظهارنظرها و مشاهدات به ظاهر متناقض این باشد که بین «پذیرش قدرت و تسلیم در برابر آن» و «مشروع

کره جنوبی، تایوان و اسپانیا، پاکستان، ژاپن و ایتالیا است.

رتبه حدوداً متوسط ایران در این بررسی با بسیاری از دیدگاهها رایج در خصوص فرهنگ ایرانی که آن را آماده پذیرش قدرت و زور تصویر می کنند تا حدی مغایرت دارد.

برای نمونه یکی از محققان، ایرانی را «مجدوب محورهای دارنده قدرت» دانسته که در طول تاریخ ۵۰۰ سال گذشته «در نهایت ضعف و قدرت خود، به یکی از قطبهای قدرت جهانی، به تناسب جذابیت، تن سپرده است.» (علی رضا قلی، جامعه شناسی نخبه کشی،

بیشتری در کارها دیده می شود. جوامع زن گونه محیط مناسب تری برای محصولات سفارشی، بیوشیمی و خدمات به وجود می آورند در حالی که در جوامع مردگونه فضای بهتری برای تولید انبوه و صنایع سنگین وجود دارد.

ابعاد فرهنگ ایران در تحقیق هافستده

اولین نکته قابل بررسی در نتایج تحقیق هافستده این است که این یافته ها با بررسی بر روی پاسخهای کارکنان شرکت IBM در کشورهای مختلف دنیا به پرسشنامه های تنظیم شده به دست آمده اند. بنابراین، اعتبار نتایج به

جهت گیری کوتاه مدت	جهت گیری دراز مدت
- احترام به ستهها.	- انطباق دادن ستهها با زمینه مدرن
- احترام به نظم اجتماعی بدون در نظر گرفتن هزینه آن.	- احترام به نظم اجتماعی ولی تا حدی.
- فشار اجتماعی در جهت چشم و هم چشمی کردن با دیگران حتی اگر به قیمت مصرف بیش از حد باشد.	- اسساک، در نظر گرفتن منابع.
- پس انداز کم، منابع کم برای سرمایه گذاری.	- پس انداز زیاد، منابع زیاد برای سرمایه گذاری.
- انتظار نتایج سریع.	- صبوری در مقابل دیر به نتیجه رسیدن.
- توجه به آبرو.	- تسلیم پذیری و فرامترداری برای رسیدن به هدف.
- توجه به حقیقت جویی.	- توجه به احترام گذاشتن به الزامات نیکی و فضیلت.

جدول شماره ۴: تفاوتهای اصلی بین جوامع با جهت گیری های درازمدت و کوتاه مدت.

دانشتن قدرت» تفاوت قائل شویم. چرا که به نظر می رسد که ایرانیان در عین حالی که برای قدرتهای ناشی از ثروت، مقام و زور مشروعیت چندانی قائل نیستند با وجود این، وقتی که خود را قادر به مقابله با آن نمی بینند به تجربه و فراست تاریخی خود راه بقا را در سازگاری با آن جستجو کرده و در کمین فرصتهای مناسب تر می نشینند. البته هافستده در تعریف فاصله قدرت آن را به میزان پذیری قدرت

بالادستی ها توسط زیردست ها مربوط می کند ولی در توصیف مشخصه های جوامع با فاصله قدرت زیاد و جوامع با فاصله قدرت کم عملاً پذیرش و تسلیم در برابر قدرت را ملازم با مشروع دانستن آن در نظر می گیرد.

سید جواد طباطبایی در کتاب دیباجه ای بر

نظریه انحطاط ایران معتقد است که:

یکی از دلایل عمده بی ثباتی حکومتها در ایران این است که ایرانیان به رغم تحملی که در دوره هایی از تاریخ خود نشان داده اند، هرگز به طبیعی بودن نظام های خودکامه باور نکرده و به آن تن در نداده اند. (دیباجه ای بر نظریه انحطاط ایران ص ۴۷۷).

صص ۳۱-۳۰). مرحوم مهدی بازرگان نیز در مقاله سازگاری ایرانی به این بعد فرهنگ ایرانی توجه کرده و آن را نتیجه نوسانهای زندگی، زمین گیری و بردباری ایرانی دانسته که به عنوان یک سیستم دفاعی خود را با شرایط گوناگون زمان و مکان منطبق ساخته است. از جانب دیگر، قائم مقام فراهانی از سیره ناپسند ایرانیان در پذیرش قدرت چنین شکوه سر می دهد:

وای از این قوم بی حمیت و بی دین
ترک ری، کرد خمسه، لر قزوین
عاجز و مسکین هر چه ظالم و بدخواه
ظالم و بدخواه هر چه عاجز و مسکین
نویسنده دیگری هم رفتار ایرانی در مقابل قدرت مسلط را چنین توصیف می کند:

رنگ به رنگ شدن، بوقلمون صفتی، نان را به نرخ روز خوردن، یعنی حاکم معزول را لگزدن، از جلو میز حاکم منصوب دست به سینه عقب عقب از در خارج شدن - این است که برای هیچ مرجع و برای هیچ مقامی ارزش واقعی قائل نیستیم. (حسن نراقی، جامعه شناس خودمانی، ص ۱۳۰).

دست آمده تا حدی به این مسئله بستگی دارد که آیا این کارکنان می توانند نماینده مناسبی برای فرهنگ کشور خود محسوب شوند یا خیر. هافستده در پاسخ به این انتقاد خاطر نشان می کند که چون بررسی بر روی کارکنان یک شرکت خاص انجام شده که علی الاصول می بایست از فرهنگ سازمانی برخوردار باشند، بنابراین تفاوت در پاسخ را می توان تا حد زیادی به تفاوت فرهنگی کشورهای مربوطه تعبیر کرد. ولی جای این انتقاد همچنان باقی است که مثلاً ممکن است کارکنان شرکت IBM در ایران از تفاوت فرهنگی چشمگیری با عامه مردم برخوردار باشند. در حالی که در یک کشور غربی ممکن است این تفاوت چندان محسوس نباشد. حال به بررسی نتایج این تحقیق در خصوص فرهنگ ایران در هر یک از ابعاد مورد بررسی می پردازیم.

همان طور که بیان شد در تحقیق هافستده شاخص فاصله قدرت کشور ایران در بین ۵۳ کشور در ردیف ۳۰ - ۲۹ قرار گرفته که نشانگر فاصله قدرت در حد متوسط (و به نظر هافستده کمی زیاد) و در حدود کشورهایی چون یونان،

نکته دیگر آنکه امتیازهای به دست آمده در بررسی هافستده صرفاً بیانگر متوسط کل امتیازات هر کشور در بعد مربوطه بوده و نمی تواند تنوع و تفاوت های درون هر کشور را به نمایش بگذارد. این مسئله در مورد جوامعی که از فرهنگ یکدست و همگونی برخوردارند، مشکلی ایجاد نمی کند ولی در کشوری مانند ایران که به تعبیر بسیاری از صاحب نظران از تنوع فرهنگی گسترده ای برخوردار است، شاید نتوان با اتکای صرف به امتیازات به دست آمده برای هر بعد در کل جامعه به تصویری مناسب از فرهنگ ایرانی دست یافت. شاید به اعتبار چنین تنوعی است که فردوسی می گوید:

ز ایران و از ترک و از تازیان
نژادی پدید آید اندر میان
نه دهقان، نه ترک و نه تازی بود
سخن ها به کردار بازی بود

به تعبیر حسین بشیریه در دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران (ص ۱۳) ایران همواره طی تاریخ طولانی خود ترکیب پیچیده ای از اقوام و مذاهب و گروه های زبانی و فرهنگی داشته است... روی هم رفته جامعه ایران به عنوان جامعه ای نیمه سستی - نیمه مدرن یا در حال گذار دارای صورت بندی و شمار پیچیده ای از شکاف های اجتماعی بوده است. از یک سو شکاف های قومی، فرهنگی و منطقه ای مربوط به جامعه سستی کم و بیش فعالند و از سوی دیگر شکاف های جامعه مدرن نمودار شده اند.

بسیاری از متفکران هویت فرهنگی ایرانی را متأثر از سه فرهنگ دینی، ملی و غربی می دانند که دائماً در حال پالایش و تحول است.

پویایی، تغییر و تحولات فرهنگی بازار در دهه های گذشته نیز وجهی دیگر از ویژگی های خاص جامعه ایران در تشکیلی می دهد. در تحقیقی که توسط فرامرز رفیع پور انجام شده است، تغییرات شدید در سالیان اخیر در خصوص روند نمایش ثروت که تا حدی به بعد فاصله قدرت مربوط می شود، مشاهده شد:

۷۱/۴ درصد از پاسخگویان می گفتند که در سال ۶۵ ثروتمندان و سائل خود (مانند ماشینشان) را خیلی کم به نمایش می گذاشتند و به رخ می کشیدند. در مقابل ۸۵/۳ درصد از پاسخگویان اظهار می داشتند که در سال ۷۱، ثروتمندان ایشیا و وسائل قیمتی خود را خیلی زیاد به نمایش می گذاشتند. (توسعه و تضاد، ص ۲۰۰).

با وجود این، در تحقیق نسبتاً گسترده ای که در سال ۱۳۷۴ توسط منوچهر محسنی (ص ۸۹) در خصوص ارزش های اجتماعی ایرانیان انجام شده است در میان ارزش های مورد بررسی، سلامت و آبرو هر دو در یک جایگاه و به عنوان برترین ارزشها قرار دارند و در مرتبه بعد در دستکاری و سپس علم و دانش طرح می شود و شاخص های بارز تر قدرت مانند ثروت، مقام و شهرت در ردیف های چهارم تا ششم قرار می گیرند. (البته باید در نظر داشت که در این تحقیق ارزش های مطلوب جامعه مورد توجه بوده است نه ارزش های مورد عمل افراد که در تحقیق هافستده مورد بررسی قرار گرفته است. در اکثر موارد فاصله بسیار زیادی بین این دو نوع ارزش وجود دارد).

در بعد فردگرایی در مقابل جمع گرایی نیز ایران با شاخص (IDV) معادل ۴۱ در ردیف ۲۴ یعنی در اواسط جدول قرار دارد. البته هافستده در تقسیم بندی خود ایران را تا حدودی در ردیف کشورهای با فرهنگ جمع گرایی طبقه بندی می کند.

نویسنده ای در خصوص بعد فردگرایی ایرانی چنین قضاوت می کند: «تمامی مسائل، حوادث، اتخاذ تصمیم ها، قانون ها و حتی سرد و گرم ها، یک متری دارد به نام «خودم» که تمامی دنیا را با آن متر می کند.» (حسن نراقی، جامعه شناسی خودمانی، ص ۱۴۴).

سید مرتضی مرذیها این بعد فرهنگ ایرانی را چنین تصویر می کند:

پراکندگی نژاد و مذهب، ملیت را نیز کمرنگ می کنند... و تنازع سرد و پنهان میان آنها عملاً به ترجیح مطلق منافی فردی یا برآورد نزدیک بیانه منافع (قضیه حمار) می انجامد. گویی اختلافات مذکور این پندار را القاء می کند که هويت جمعی که بتوان خود را به آن سپرد و از آن شخصیت دیگری کسب کرد، در محدوده مرزها وجود ندارد و ایران نامی است کاملاً قسسرارادای، که به مجموعه درمی که به حسب اتفاق در آن گرد آمده اند، اطلاق می شود. به این ترتیب تنها پناهگاه باقیمانده، من فردی یا خانوادگی و یا حداکثر من گروهی است. (دفاع از عقلانیت، ص ۷۴).

ماروین زونیس در تحقیق خود در مورد نخبگان ایران می نویسد:

تمایل به فردگرایی بیش از هر چیز دیگری در

ایران مشهود است... و در واقع انسان از فقدان نسبی گروه های کاری و معنادار به جز خانواده یکه می خورد. در فرایند سیاست در ایران گروه ها نقشی بازی نمی کنند. احزاب سیاسی ایران قبل از هر چیز مجموعه ای از افرادند که حول یک یا چند فعال برجسته گرد آمده اند و به دنبال پست و منصب هستند. به محض نیل به قدرت و یا احساس دور از دسترس بودن آن، این احزاب پاشیده می شوند. اینها هیچ نقشی به عنوان گروه در فرایند سیاسی بازی نمی کنند. همین استدلال را می توان به همه فعالیت های اجتماعی در ایران تعمیم داد، از بوروکراسی دولتی گرفته تا فعالیت های خلاف و مجرمانه. به عنوان مثال آن نوع سرفقت از بسانکها که در امریکا رخ می دهد، معمولاً در ایران به ندرت به وقوع می پیوندد. (Zonis M. The Political Elite of Iran, p. 215)

حسن قاضی مرادی در بررسی خود در خصوص وجه خودمداری ایرانی بین دو مفهوم فردگرایی و خودمداری تفکیک قائل شده و معتقد است به دلیل وضعیت خاص تحولات سیاسی - اجتماعی ایران و خصوصاً به دلیل حکومت های استبدادی حاکم بر ایران در طی قرون متمادی در عین حالی که روح فردگرایی در ایرانیان رشد نیافته، خودمداری شدید از ویژگی های بارز فرهنگ ایرانی بوده و هست. (در پیرامون خودمداری ایرانیان، صص ۲۳-۳۷).

به نظر می رسد در اینجا نیز مفاهیم فردگرایی و جمع گرایی مورد نظر هافستده نمی تواند به خوبی این بعد فرهنگ ایرانی را تصویر کند. چرا که در ایران از یکسو وابستگی و تعلق به گروه های خانوادگی و قبیله ای بالاست ولی از سوی دیگر در حوزه های کاری و سازمانی و در حوزه های شهروندی عملاً منافع فردی بر منافع جمعی ترجیح داده می شود. در حالی که در توصیفی که هافستده از فردگرایی و جمع گرایی به دست می دهد نمی توان به سادگی وضعیت این بعد فرهنگ ایرانی را تصویر کرد.

در بعد مردگونی در مقابل زن گونی ایران با امتیاز MAS معادل ۴۳ در رده ۳۶-۳۵ این جدول قرار دارد. بنابراین، می توان جامعه ایران را تا حدودی زن گونه محسوب کرد. نتیجه این تحقیق تا حد زیادی با باور عمومی روشنفکران ایرانی و هم چنین باور غربی ها در خصوص جامعه ایران متفاوت است. چرا که از این زاویه

فقدان امنیت در طول تاریخ این کشور مرتبط کرد. که آن نیز خود نتیجه استبداد و تهاجمات پی در پی اقوام و قبایل بیگانه بوده است. ماروین زونیس می نویسد:

ماکس وبر در تحقیق خود به ارتباط بین رایج بودن دیوارکشی در نواحی شهری مدیترانه و فقدان امنیت در طول قرون متمادی در این منطقه اشاره می کند. وجود شهرهای با برج و بارو و همچنین وجود دیوار در دور خانه ها در ایران نشانگر همین مسئله است. (Zonis, p. 202).

به تعبیر صادق زیبا کلام:

یکی دیگر از جلوه های بنیادی تمرکز قدرت در دست حکومت عبارت بود از فقدان امنیت فردی و اجتماعی که از قرن یازدهم به بعد یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی ایران شد. این پدیده شکل دهنده بسیاری از زوایای اجتماعی ایران بود. (ما چگونه ما شدیم، ص ۱۸۰).

و به بیان زونیس:

به نظر می رسد که رفتار جامعه ایران و خصوصاً سیاستمداران آن همانند کسی است که از عدم امنیت فوق العاده ای رنج می برد. (Zonis, P. 215).

و شاید در جستجوی مرهمی برای این ناطمینانی است که ایرانی چاره کار را در جبرگرایی و تسلیم در برابر قضا و قدر می یابد. در تحقیق انجام شده در خصوص نگرشها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران ۷۱٪ پاسخ دهندگان معتقد بودند که قضا و قدر در زندگی موثر است و ۱۸/۵٪ نیز تا حدی موافق تاثیر آن بوده اند. (منوچهر محسنی، ص ۳۹۸).

آخرین بعد فرهنگی در تحقیق هافستده رویکرد کوتاه مدت در مقابل رویکرد بلندمدت بوده که متأسفانه کشور ایران در این بررسی مورد مطالعه قرار نگرفته بنابراین شاخصی در این مورد برای جامعه ایران در دست نیست.

رویهمرفته از بررسی ابعاد فرهنگی جامعه ایرانی در تحقیق هافستده می توان دید که شاخصهای مربوط به ایران در حدود متوسط جدول است. شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که نمره متوسط به دست آمده برای ابعاد فرهنگی جامعه ایرانی نشان دهنده این حقیقت است که علی رغم بعضی پیش داوریهایی بدبینانه رایج در مورد ناهماهنگ دانستن فرهنگ ایرانی با مقتضیات پیشرفت و توسعه و یا عدم وجود ظرفیت برای پذیرش بعضی از

هافستده این خصوصیت تا حدی بیانگر بعد زن گونگی است.

یکی دیگر از ویژگیهای بعد زن گونگی روحیه تساهل و مراقبت از دیگران است. شاردن در سفرنامه خود می نویسد:

ستایش انگیزترین عادت ایرانیان ملاطفت آنان با بیگانگان، مهمان نوازی، پذیرایی و محافظت از بیگانگان و مدارای آنان نسبت به دین هابی است که در نظر ایرانیان باطل و فاسد به شمار می روند... من این مطلب را... از اخلاقیات ملایم این قوم منبث می دانم که به طور طبیعی مخالف پرخاشجویی و خشونت است (نقل از سیدجواد طباطبایی، ص ۴۷۲).

بعد دیگر تحقیق هافستده اجتناب از ناطمینانی است. در این بعد ایران با امتیاز ۵۹ در ردیف ۳۱-۳۲ جدول قرار داشته و رویهمرفته ابهام گریزی متوسطی را نشان می دهد.

در خصوص این بعد فرهنگ ایرانی نیز آرا صاحب نظران متفاوت است. هر چند که بسیاری فرهنگ ایرانی را گریزان از ناطمینانی می دانند، بعضی خلاف این ابراز کرده اند. به عنوان نمونه دو محقق غربی با توجه به مشاهداتشان در ایران معتقدند که:

زمینه های تاریخی و اوضاع کنونی ایران موجب شده که عامه مردم رفتاری پیچیده ولی رویهمرفته ریسک پذیرتر از کشورهای غربی داشته باشند... طرز تلقی مردم در مورد سلامت و ایمنی شخصی نیز عموماً ریسک پذیرانه تر از غربی هاست. (Waring A. & Glendon AH Managing Risk, p. 299)

البته هافستده بین مفهوم عدم ریسک پذیری و اجتناب از ناطمینانی تفاوت قائل می شود ولی نمونه های ارائه شده در فوق به نحوی نشان دهنده اجتناب از ناطمینانی کم نیز هستند، چرا که بیانگر احساس راحتی ایرانیان در موقعیتهای مبهم و ریسک های ناشناخته اند.

نویسنده دیگری در مورد روحیه قانون گریزی ایرانیان که از نظر هافستده تا حدی بیانگر بعد اجتناب از ناطمینانی کم است، چنین می نویسد: از قانون تمکین نمی کنیم... حتی قوانینی که مطمئن هستیم برای آسایش ما تنظیم کرده اند... ولی عدم رعایت از مقررات برایمان ملکه شده، دیگر عادت کرده ایم. (حسن نراقی، ص ۱۰۶).

شاید بتوان خوکردن ایرانی با ناطمینانی را

ایران در ردیف کشورهای همچون تایوان، فرانسه و اسپانیا قرار دارد.

در گزارشی در خصوص تحقیق انجام شده در مورد نگرشها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران چنین آمده است:

دوران پدرسری و مردسالاری روبه سپری شدن نهاده است. نشانه های آن چنین است:

تمامی جوانان بر کاهش قدرت پدر، مرد و رئیس خانواده تاکید دارند. با افزایش سن، به طور مستمر، منظم و بی هیچ وقفه گرایش به قدرت مرد در خانه روبه فزونی است...

بسط آموزش و بسط دموکراسی کاهش قدرت انحصاری مردان را نوید می دهد. رابطه آموزش و دیدگاهها در بسط تصمیم گیران خانه ها بسیار زیاد است...

با بسط درآمد رئیس خانوار، و به طور منظم در هر مقطع از درآمد، شاهد کاهش قدرت مردان و تفویض اختیار آنان به زنان یا زن و شوهر، هر دو، هستیم.

چهارمین شاخص، مقایسه تحقیق ما با تحقیق سال ۱۳۵۳ است. در آن تحقیق ۷۲٪ از پاسخگویان بر محور بودن مردان در تصمیم گیری رای دادند و ۱۱٪ زنان را به این سمت پذیرفتند. این رقم در این تحقیق برای مردان به نصف تقلیل یافته است. (منوچهر محسنی، ص ۸۹).

بعد مقابله با زور نیز که در تحقیق فوق مورد بررسی قرار گرفته است تا حدی معرف روحیه مردگونگی میتواند باشد:

سوالی که در این زمینه مطرح شد این بود: تا چه حد موافقتی دارید با اینکه اگر بگویم که جواب زور را باید با زور داد. به عبارت دیگر تا چه حد باید مقابله به مثل کرد... سالها پیش از این، سعدی گفته است که «کلوخ انداز را پاداش سنگ است». وقتی مطلب را با این شکل با پاسخگویان در میان گذاشتیم، ۵۲٪ از آنان با این نظر مخالف بودند. ۳۳/۲٪ موافق اعمال زور در مقابل زور بودند و ۱۲/۳٪ هم تا حدی با اعمال زور در مقابل زور موافق بودند. (همان جا، ص ۳۲۹).

در بخش دیگری از این تحقیق در خصوص ویژگیهای اخلاقی ایرانیان، ۴۵/۵٪ از پاسخگویان مردم ایران را خیلی با گذشت می دانند و از سوی دیگر فقط ۳۶٪ از آنان عقیده داشتند که هموطنان ما هیچ باگذشت نیستند و این ویژگی بیش از سایر ویژگیهای مثبت ایرانیان مورد تایید پاسخگویان قرار گرفته است. (همان جا، ص ۲۹۲). از نقطه نظر

شکل‌های سازمانی، حداقل از نقطه نظر تحقیق هافستده نمی‌توان چنین برداشتی کرد. از سوی دیگر با بررسی اجمالی انجام شده می‌توان دید که ابعاد فرهنگی به دست آمده در تحقیق هافستده ممکن است نتواند به خوبی شاخصه‌های فرهنگ ایرانی را ترسیم کند. این امر را می‌توان به تنوع فرهنگی موجود در جامعه ایرانی نسبت داد و یا اینکه به نارسایی شاخصه‌های به دست آمده در توضیح و تبیین فرهنگ خاص ایرانی مرتبط دانست.

نتیجه‌گیری

هافستده در توضیح تفاوت‌های فرهنگی ملتهای مختلف پنج بعد فرهنگ یعنی «فاصله قدرت»، جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی، «زن‌گونی در مقابل مرد‌گونی»، و «اجتناب از نااطمینانی» و «رویکرد بلندمدت در مقابل رویکرد کوتاه‌مدت» را شناسایی کرد.

«فاصله قدرت» عبارت است از میزان پذیرش و انتظار اعضای کم‌قدرت نهاد و سازمانهای یک کشور در مقابل مسئله توزیع نابرابر قدرت. در تحقیق هافستده فاصله قدرت در ایران در حدود متوسط متمایل به بالاست. در این مقاله نشان داده شد که مفهوم فاصله قدرتی که هافستده ارائه می‌دهد نمی‌تواند به خوبی مشخصه‌های این بعد جامعه ایرانی را نشان دهد و شاید نیاز به تعریف مفاهیم دقیق‌تری باشد که بتواند بین وجه پذیرش قدرت و مشروع دانستن قدرت تفاوت قائل شود.

بنابراین تعریف هافستده، جوامع فردگرا جوامعی هستند که در آن پیوند بین افراد ضعیف است. انتظار از افراد این است که مراقب خود و خانواده درجه اولشان باشند. در مقابل جوامع جمع‌گرا جوامعی هستند که افراد از بدو تولد در گروه‌های قوی و همبسته‌ای در می‌آیند تا در تمام طول عمر فرد در مقابل وفاداری بی‌چون و چرای وی از او حمایت کنند. از این بعد نیز ایران در حدود متوسط و تا حدی جمع‌گرا معرفی شده است. به نظر می‌رسد که بعد جمع‌گرایی ایرانی بیشتر متوجه نهادهای خانوادگی و قبیله‌ای است تا سایر نهادهای اجتماعی مانند سازمان، جوامع مدنی و جوامع شهری و ملی. شاید در اینجا نیز لازم باشد که جرح و تعدیلاتی در مفاهیم فردگرایی و جمع‌گرایی تعریف شده توسط

هافستده صورت پذیرد. مرد‌گونی معرف جوامعی است که نقش‌های اجتماعی جنسیت‌های مرد و زن به روشنی تفکیک شده است. بعد مردانگی عموماً به توجه به «درآمد بیشتر»، «شناخته شدن توسط دیگران»، «پیشرفت» و «هماورد طلبی» مربوط می‌شود. در مقابل قطب زنانگی متوجه «رابطه خوب با مدیر»، «بهبود شرایط زندگی» و «امنیت کارکنان» است. تحقیق هافستده جامعه ایران را تا حدی زن‌گونه می‌داند. هرچند که این یافته با ذهنیت بسیاری از ایرانیان به خصوص روشنفکران و تحصیلکرده‌ها همخوانی ندارد، ولی در عین حال شواهد زیادی در تایید این مسئله می‌توان ارائه کرد.

بعد اجتناب از نااطمینانی به احساس راحتی و یا اضطراب در موقعیتهای مبهم و ناشناخته مربوط می‌شود. در تحقیق هافستده میزان اجتناب از نااطمینانی در جامعه ایران در حد متوسط ارزیابی شده است. آخرین بعد در تحقیق هافستده رویکرد درازمدت در مقابل کوتاه‌مدت است که کشور ایران در این تحقیق قرار نداشته است. به نظر می‌رسد که در ارزیابی اعتبار نتایج تحقیق هافستده در مورد جامعه ایران باید نکات زیر مدنظر قرار گیرد:

- جامعه کارکنان شرکت IBM نمی‌تواند نمونه مناسبی برای فرهنگ ایرانی محسوب شود. هرچند که در تحقیق هافستده برای چهار بعد اول، در سایر کشورها نیز کارکنان همین شرکت مورد بررسی قرار گرفته‌اند ولی ممکن است تفاوت فرهنگ کارکنان شرکت با متوسط فرهنگ جامعه در کشورهای دیگر به اندازه این تفاوت در ایران نباشد.
- باتوجه به تنوع فرهنگی شدید در جامعه ایرانی و همگن نبودن این جامعه از نقطه نظر فرهنگی، شاخصه‌های به دست آمده صرفاً مبین متوسط جامعه است و نمی‌تواند این تنوع و ناهمگونی را به خوبی تصویر کند.
- از سوی دیگر مفاهیم انتخاب شده توسط هافستده نمی‌تواند ویژگیهای خاص فرهنگی جامعه ایران را به درستی نشان دهد.
- و آخرین نکته آنکه باتوجه به تغییرات نسبتاً شدید فرهنگی در ایران به خصوص در دو سه دهه بعد از انجام تحقیق هافستده ممکن است

تغییراتی در بعضی از ابعاد فرهنگی مورد سنجش رخ داده باشد.

به هر حال، در صورت قبول نتایج تحقیق هافستده می‌توان گفت که برخلاف بعضی داوریه‌های رایج در خصوص عدم تناسب فرهنگ ایرانی با بعضی از شکل‌های سازمانی (از سازمان بوروکراتیک گرفته تا سازمان مشارکتی)، کار گروهی، ریسک‌پذیری و یا عدم تناسب ایران با فرهنگ دموکراسی یا قانون‌پذیری و غیره که معمولاً فراوان شنیده می‌شود، حداقل از نقطه نظر یافته‌های این تحقیق نمی‌توان چنین برداشتهایی را چندان معتبر دانست.

منابع

- ۱- بشیریه، حسین (۱۳۸۱). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران. تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۲- رضاقلی، علی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی نخبه‌کشی. تهران: نشر نی.
- ۳- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). توسعه و تضاد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۴- زیباکلام، صادق (۱۳۷۴). ما چگونه ما شدیم. تهران: انتشارات روزنه.
- ۵- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۰). دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران. تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۶- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۷۸). در پیرامون خودمداری ایرانیان. تهران: نشر اختران.
- ۷- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵). بررسی آگاهیا، نگرشها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران. تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- ۸- مردیها، سید مرتضی (۱۳۷۹). دفاع از عقلانیت، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- ۹- نراقی، حسن (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خودمدانی. تهران: نشر اختران.

- 10 - Fuller, G.E. (1991). THE CENTER OF THE UNIVERSE. USA: RAND.
- 11 - HOFSTEDE, G. (1991). CULTURES AND ORGANIZATIONS: SOFTWARE OF MIND. LONDON: MC GRAW - HILL.
- 12 - HOFSTEDE, G. (2001). CULTURE.S CONSEQUENCES, 2ND ED. LONDON: SAGE.
- 13 - WARING, A.& GLENDON, A.I. (1998). MANAGING RISK. U.K.: ITP.
- 14 - ZONIS, M. (1971). THE POLITICAL ELITE OF IRAN. USA: PRINCETON UNIVERSITY PRESS.

● مهدی سلطان محمدی: کارشناس ارشد مدیریت اجرایی و دانشجوی دکترای بازرگانی دانشگاه علامه طباطبایی